



قرآن به همه معرفت‌های بشری می‌تواند تغذیه فکری دهد/ تفکیک درپی معرفت خالص قرآنی است

یک عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با بیان اینکه تفکیک‌ها نیت خوبی و دغدغه‌های دینی و قرآنی دارند و دنبال معرفت سره قرآنی هستند، گفت: قرآن اقیانوس عظیمی است که با اندیشه‌های زلالش، متکلم، فیلسوف، عارف، فقیه و ... به سعه وجودی خود می‌تواند از آن استفاده کند.

یک عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با بیان اینکه تفکیک‌ها نیت خوبی و دغدغه‌های دینی و قرآنی دارند و دنبال معرفت سره قرآنی هستند، گفت: قرآن اقیانوس عظیمی است که با اندیشه‌های زلالش، متکلم، فیلسوف، عارف، فقیه و ... به سعه وجودی خود می‌تواند از آن استفاده کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر بهرام دلیر، مدرس خارج فقه و اصول و فلسفه و عرفان و عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد مکتب تفکیک گفت: مهمترین شخصیت‌های این مکتب، میرزامهدی اصفهانی، شیخ هاشم قزوینی، میرزا علی اکبر نوقانی و شیخ غلامحسین مهامی بادکوبه‌ای هستند. تفکیکی‌ها سعی می‌کنند که به نیروهای این مکتب افزوده شود، مثلاً میرزا جواد آقا تهرانی را هم جزو این مکتب می‌دانند. شیخ محمدباقر ملکی را هم همین‌طور.

وی در مورد ویژگی‌های مکتب تفکیک اظهار داشت: مکتب تفکیک درون دینی است یعنی مؤسس و پیروانش در داخل جغرافیای اندیشه اسلامی قرار دارند و بنابراین یک خوانش برون دینی نیست؛ مثل مستشرقین که از دین برداشتهایی می‌کنند. دوم تأکید مکتب تفکیک بر بحث جداسازی رویکردهاست، چون آنها التقاط رویکردها را بر نمی‌تابند. هدفی که تفکیکی‌ها از این اعتقادات دارند این است که می‌خواهند به معرفت قرآنی برسند.

دلیر در نقد این دیدگاه تصریح کرد: قرآن دریای عظیمی است، به نظرم می‌توان قرآن را با رویکردهای مختلفی مورد تفسیر قرار داد، کما اینکه این چنین تفسیرهایی صورت گرفته است. تفسیر قرآن با رویکرد کلامی وجود دارد، همچنین با تفسیر موضوعی، آیات العقاید و یا توحید در قرآن و امثال ذلک نوشتند. قرآن، دریایی است که خیلی از رویکردها را برمی‌تابد. در بحث‌های عقلی گفته می‌شود، بهترین دلیل برای امکان شیئی، وقوع آن شیئی است، وقتی می‌بینیم تفسیر اجتماعی، سیاسی، کلامی، عرفانی، فلسفی، فقهی (آیات الاحکام) و حتی تاریخ و بحث‌های جدید مانند جامعه‌شناختی صورت گرفته پس این گونه تفسیر امکان‌پذیر است. این چنین نیست که وقتی این رهیافتهای بیاید ما به معرفت سره یا خالص قرآنی دست نخواهد یافت.

وی در پاسخ به این اظهار نظر تلقی عام از مکتب تفکیک این است که اینها عقل را قبول ندارند، اما این گونه که شما گفتید یعنی آنها معتقدند عقل جدا، قرآن جدا و عرفان جدا؟! بین رشته‌ای را قبول ندارند؟ بیان کرد: بحث‌های بین رشته‌ای رویکردهای جدیدی است و غالباً هم بحث‌های بین رشته‌ای را در سنت خودمان داشتیم، اما با این عنوان بیشتر در روش‌شناسی دنبال شده است، یعنی در قوه مخیله میرزامهدی اصفهانی، روش بینارشته‌ای خطور نمی‌کرد. امروزه بحث‌های بین رشته‌ای را وارد بحث کردند.

حجت‌الاسلام دلیر در ادامه سخنانش تصریح کرد: در بحث‌های مکتب‌های تفکیک اثری از بحث‌های بین رشته‌ای وجود ندارد، از عمر و تبار بحث بینارشته‌ای کمتر از دو دهه نمی‌گذرد. تک‌نگاره‌ها و ترجمه‌هایی که صورت گرفته باعث شده که بحث‌هایی در روش‌شناسی راه پیدا کرده است، اما اینکه اکنون بگوئیم که میرزامهدی اصفهانی، مطالعات بین رشته‌ای را بر نمی‌تابید، درست نیست؛ چون در آن زمان اصلاً بحث بین رشته‌ای و فرارشته‌ای و ... در بحث‌های روش‌شناسی وجود نداشته است. اگر بیائیم این بحث‌ها را در مکتب تفکیک ترویج و یا نقد کنیم اینها خوانش ماست، ربطی به میرزامهدی اصفهانی و قدما می‌تفکیک ندارد. جدیداً بزرگان مکتب تفکیک بین رشته‌ای را بحث می‌کنند اما از نظر تبارشناسی مکتب تفکیک، می‌توان گفت تفکیک‌ها بحث بین رشته‌ای را بر نمی‌تابیدند.

وی افزود: مهمترین ویژگی مکتب تفکیک این است که خود را در مقابل فلسفه قرار دادند و بر این تأکید کردند که قرآن معرفت خالصی دارد و اگر رهیافتهای دیگر به قرآن راه پیدا کند آن معرفت خالص را از دست خواهیم داد و لذا اگر بحث فلسفی، عرفانی و عقلی را با بحث‌های قرآنی ترکیب کنیم به معرفت خالص دست نخواهیم یافت. دوباره تأکید می‌کنم که مطالعات میان رشته‌ای در ایران نوزادی بیش نیست. پیروان مکتب تفکیک بیشتر دغدغه بحث‌های معرفتی داشتند و دنبال معرفت قرآنی خالص بودند. هرگونه رویکرد، روش و رهیافت در بحث‌های تفکیک معرفت قرآنی لطمه به معرفت خالص می‌زد.

وی در مورد نسبت میان مکتب تفکیک و آرای اشاعره و اخباریون هم گفت: نظریه رقیب اخباری گری در علم اصول است، نظریه رقیب معتزله، اشعری یا امامی است. تفکیکی ها هیچ کدام عامی (سنی) نیستند، هیچ کدام از آنها افراط هایی که در اشعری مطرح است و اصلا عقل را بر نمی تابد را قبول ندارند. این گونه نیست که تفکیکی ها به عقل هیچ ارزش و بهایی ندهند، چون عقل در رویکردهای باطنی که به عنوان رسول باطنی است و کتاب العقل و الجهل کلینی و روایات این گونه را بها می دهند.

این محقق و نویسنده کشورمان تصریح کرد: اگرچه می توان اشتراک اشعری ها و تفکیکی ها را دنبال کرد، اما عرضم این است که چه مؤسسان این مکتب و چه پیروان این مکتب ربطی به رویکردهای عامی مسلک مثل اشعری سنی کلامی ربطی ندارد و یا معتزلی سنی کلامی. پس تفکیکیها علمای امامیه هستند که با رویکرد قرآنی تحصیل معرفت را دنبال می کنند و اهتمام می ورزند که در معرفت قرآنی رویکردهای دیگر را مخلوط و ممتزج نکند.

مدرس خارج فقه و اصول و فلسفه و عرفان تأکید کرد: اینکه تفکیکی ها ادعا می کنند که رویکردهای دیگر به معرفت قرآنی لطمه می زند، به گمانم اینها قرآن را در اندیشه خودشان تنزل دادند. قرآن، رویکردهای کلامی، فلسفی، عرفانی، سیاسی - اجتماعی، حقوقی و ... را بر می تابد و آمدن آنها لطمه ای به معرفت قرآنی نمی زند، چون در تمام این رهیافتهای محوری با قرآن است. هیچ فقیهی فقه خود را بر قرآن تحمیل نمی کند، هیچ کلامی، کلام خود را بر قرآن تحمیل نمی کند. هیچ فیلسوفی به خصوص فیلسوفان معاصر مکتب متعالیه فلسفه خود را در خدمت قرآن می داند و لذا فلسفه ملاصدرا به نوعی قرآن محور است. اگر فلسفه یا هر فلسفه ای در مقابل قرآن بایستد صدرالمآلهین اصلا آنرا فلسفه نمی داند.

این محقق و استاد حوزه و دانشگاه بیان کرد: این گمانه زنی است که رویکردهای دیگر لطمه ای به معرفت قرآنی می زند، من اینها را به سوء نیت متهم نمی کنم همه تفکیکی ها نیت خوبی داشتند و دغدغه های دینی و قرآنی دارند و غالبا هم متدین هستند و در حوزه خوانشهای اسلامی هم شکل گرفتند و رگه های بیرونی هم ندارند، ولی به این گمان که سایر رویکردها لطمه به معرفت قرآنی می زند و یا معرفت قرآنی را بهانه کنیم به متکلمین، فلاسفه و عرفا و ... حمله کنیم، کار عالمانه و قرآنی نیست. قرآن کریم به همه معرفت های بشری می تواند تغذیه فکری دهد. قرآن کریم منبعی و اقیانوس عظیمی است که با اندیشه ها زلالش، متکلم، فیلسوف، عارف، فقیه و ... به سعه وجودی خودش می تواند از اینها استفاده کند. اینکه قرآن را منحصر به قلمرویی کنیم به گمانم تنزل قرآن است.